

نگاه به مناسبات اقتصادی و تجاری ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس

زهرا مشفق^۱

چکیده

یکی از اهداف تجاری ایران، گسترش هم‌گرایی اقتصادی-سیاسی منطقه‌ای است. در این میان، تحولات منطقه ژئواستراتژیک خلیج فارس یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی-سیاسی ایران در منطقه ارزیابی می‌شود. با توجه به اهمیت منطقه خلیج فارس در چرخه قدرت و اقتصاد جهانی و ویژگی‌های برجسته آن به لحاظ ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی و ژئواکونومیک، شاهد اثرگذاری فزاینده آن بر نظام تصمیم‌گیری جهانی هستیم؛ ضمن اینکه چالش‌ها و بحران‌های مختلف در این منطقه از جمله رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و دولت‌های ضعیف، نشانه‌های مشهودی از ناکارآمدی در منطقه هستند. در این راستا، آسیب‌شناسی مؤلفه‌های واگرایانه و تقویت هم‌گرایی اقتصادی-سیاسی در روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس حائز اهمیت است. این گزارش با مطالعه ساختار اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس و موانع موجود در گسترش هم‌گرایی در روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس، نقش‌آفرینی به‌موقع ایران در روندهای منطقه‌ای و جهانی، توجه به مختصات جدید کشورهای حاشیه خلیج فارس، تنظیم قراردادهای بلندمدت، انعقاد توافق‌نامه تجارت آزاد، برندسازی با استفاده از ارائه گسترده فعالیت‌ها و ابتکارات در رسانه‌های جهانی و به‌کارگیری دیپلمات حرفه‌ای را برای تقویت هرچه بیشتر دیپلماسی اقتصادی ایران با شورای همکاری خلیج فارس توصیه می‌کند.

واژگان کلیدی: کشورهای حاشیه خلیج فارس، ایران، مناسبات اقتصادی، فرصت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی.

مقدمه

افزون‌براین، خلیج فارس یکی از مناطق مهم راهبردی دنیا شمرده می‌شود و یکی از دلایل اهمیت راهبردی آن، تنگه هرمز است. تنگه هرمز گذرگاهی است که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌کند و در میان ۱۱ تنگه دنیا مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌آید که همچنان و به‌رغم تمهید مسیرهای جایگزین، برای قدرت‌های بزرگ، جایگاه اقتصادی و راهبردی بالایی دارد. بر اساس تحلیل مجله اکونومیست در اواخر

منطقه خلیج فارس به دلیل ذخایر عظیم انرژی و موقعیت ژئوپلیتیک آن به مهم‌ترین منطقه جهان تبدیل شده است. در حال حاضر جهان برای تأمین حجم عمده نیازهای انرژی خود به خلیج فارس متکی است. مهم‌ترین موردی که باعث اهمیت فوق‌العاده خلیج فارس و حتی سبب توجه ویژه قدرت‌های بزرگ به آن شده، وجود این ذخایر طبیعی است.

منطقه‌ای قلمداد می‌شود؛ به گونه‌ای که منطقه خلیج فارس به عنوان پل گذار نظام بین‌المللی، با مجموعه‌ای از تنش‌ها، تحولات و حتی فرصت‌های متعددی مواجه است. از این رو بهره‌برداری متناسب کشورهای منطقه از تهدیدها یا فرصت‌های بالفعل و بالقوه در سطح منطقه مستلزم دقت ویژه در شرایط حاکم بر تحولات و دگرگونی‌های نظم بین‌المللی به ویژه توجه جدی به نیازهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

ایران از جمله مهم‌ترین کشورهای منطقه به شمار می‌رود که همواره نقش مهمی در معادلات و مناسبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ویژه در منطقه خلیج فارس داشته و اکنون نیز دارای جایگاه ویژه‌ای در منطقه خلیج فارس است. ویژگی‌های ژئوپلیتیک ایران سبب شده است تا بر کشورهای همسایه و منطقه تأثیرگذار باشد؛ البته خلیج فارس همواره در ابعاد گوناگون در اتخاذ تصمیم‌ها و اجرای سیاست خارجی ایران اولویت داشته است. فرایند تصمیم‌گیری‌های کلان ملی با شناخت دقیق فضاهای پیرامونی و فرصت‌ها و چالش‌های داخلی و خارجی هر کشور آغاز می‌شود. بنابراین، با توجه به تحولات صورت گرفته در سطح منطقه خلیج فارس، شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک در روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس زمینه مناسبی را برای طراحی راهبرد کارآمد در این منطقه در راستای پیشبرد اهداف ملی و منطقه‌ای و همچنین، کاهش تنش‌های موجود در منطقه و ثبات منطقه‌ای ایجاد می‌کند. در این راستا، دو پرسش در این پژوهش مطرح می‌شود. ۱- مهم‌ترین فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک و

سال ۲۰۲۳، اقتصادهای خلیج فارس از ثروتمندترین و پویاترین اقتصادهای جهان هستند و در حال سرمایه‌گذاری در بسیاری از زمینه‌ها، از هوش مصنوعی و شهرهای جدید در دل صحرا گرفته تا تقویت خزانه‌های صندوق‌های ثروت ملی خود هستند. خریدها و تصمیم‌های این کشورها بازارهای سرمایه دنیا را تکان می‌دهد.

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در سال‌های اخیر به سرعت متحول شده و در حوزه‌های مختلف به پیشرفت‌های زیادی دست یافته‌اند و در برخی حوزه‌ها دارای نقش پیشرو هستند. در سال‌های اخیر صعود منطقه خلیج فارس به ویژه عربستان در حال تغییر شکل منطقه غرب آسیاست که بدون شک پیامدهایی را هم در سطح منطقه و هم بین‌المللی ایجاد می‌کند. در سال‌های گذشته کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت، نرخ‌های توسعه اقتصادی بی‌سابقه‌ای از خود نشان داده و به بازیگران مهمی در اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند. برای دهه‌های متمادی سیاست خارجی کشورهای حاشیه خلیج فارس در قالب ائتلاف‌ها و همکاری‌های راهبردی با قدرت‌های غربی طراحی شده بود، اما در رویارویی با تغییرات و روندهای جدید بین‌المللی با چالش‌های مهمی روبه‌رو شده و تغییراتی تدریجی را در سیاست خارجی و داخلی خود آغاز کرده‌اند.

توافق ابراهیم در سال ۲۰۲۰، روند جدیدی در تحولات منطقه غرب آسیا به خصوص منطقه خلیج فارس در شکل‌دهی نوین به ترتیبات امنیت و نظم

رشد‌های بالای ۴ درصد را تجربه کرده‌اند. بر اساس تخمین صندوق بین‌المللی پول درحالی‌که متوسط رشد اقتصاد نفتی این کشورها در سال ۲۰۲۲، ۷/۸ درصد بود، در سال ۲۰۲۳ شاهد افت رشد اقتصادی بودند؛ به‌گونه‌ای که متوسط رشد اقتصاد نفتی کشورهای این منطقه در سال ۲۰۲۳، ۱ درصد بود. عملکرد ضعیف اقتصاد کشورهای حاشیه خلیج فارس در سال ۲۰۲۳، عمدتاً به دلیل کاهش فعالیت‌های بخش نفت بود که رشد آن تا ۱/۳ درصد افت داشت. این موضوع خود منعکس‌کننده کاهش تولید متوالی اوپک‌پلاس و کندی رشد اقتصاد جهانی است. باین‌حال، کاهش فعالیت‌های بخش نفت با رشد بخش‌های غیرنفتی که تخمین زده می‌شود برای سال ۲۰۲۳، ۴/۶ درصد رشد داشته باشد، جبران شده است. این رشد در بخش غیرنفتی عمدتاً ناشی از رشد بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری‌های راهبردی و سیاست‌های مالی تطبیقی بود. تولید ناخالص داخلی غیرنفتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۲، ۵/۳ درصد رشد کرد و بر اساس تخمین صندوق بین‌المللی پول، در سال ۲۰۲۳ با نرخ شناور ۴/۳ درصد رشد داشت.

تورم در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌طور عمده‌ای کمتر از هم‌تایان خود در غرب آسیا و سراسر جهان است.

ژئواکونومیک ایران در منطقه خلیج فارس کدام‌اند و ۲- چگونه ایران می‌تواند با توجه به تحولات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه خلیج فارس، جایگاه و نقش خود را ارتقا دهد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها در بخش نخست ضمن بررسی اجمالی آخرین تحولات اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس، اطلاعاتی در خصوص متغیرهای کلان این کشورها ارائه شده است. سپس، ضمن بررسی مناسبات تجاری این کشورها با ایران، مهم‌ترین تحولات تأثیرگذار در روابط ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بررسی شده است. در بخش‌های ۴ و ۵، مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران در منطقه خلیج فارس ارائه می‌شود. در نهایت، راهکارهایی برای تدوین راهبرد سیاست خارجی ایران در منطقه خلیج فارس ارائه می‌شود.

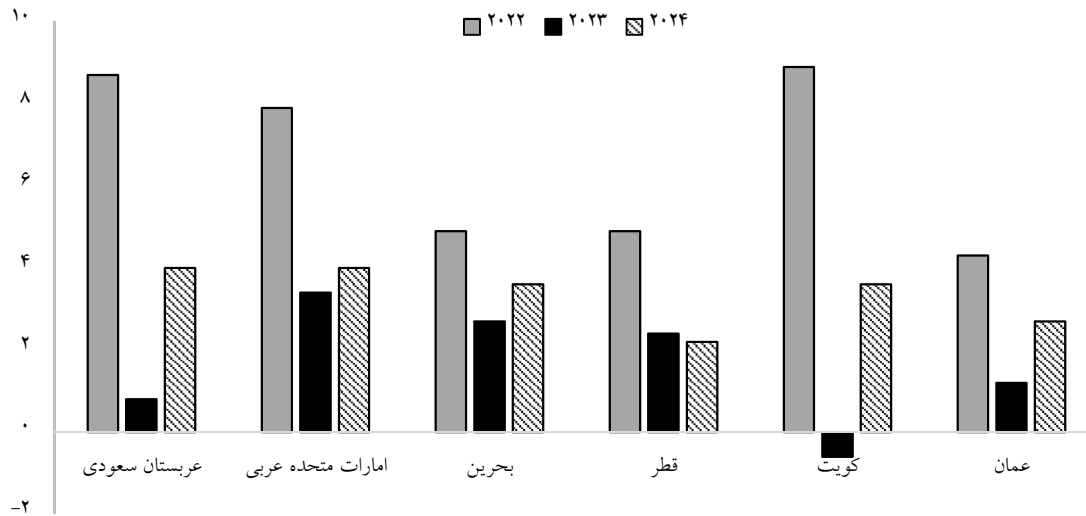
۱- نگاهی به وضعیت اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس

اگر سیاست‌گذاران ایرانی قصد دارند تا تعامل و همکاری اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با کشورهای حاشیه خلیج فارس داشته باشند، باید در نقشه راهی که تدوین می‌شود، توجه کنند که این کشورها به‌ویژه از منظر اقتصادی در چه وضعیتی قرار دارند. در ادامه روند برخی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی این کشورها مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۱-۱- رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی

همان‌طور که در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود، تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس در سال ۲۰۲۲،

نمودار ۱- پیش‌بینی و تخمین رشد اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس



مأخذ: IMF, 2023

۲۰۲۵ کشورهای حاشیه خلیج فارس به ترتیب ۳/۶ و ۳/۷ درصد رشد اقتصادی داشته باشند.

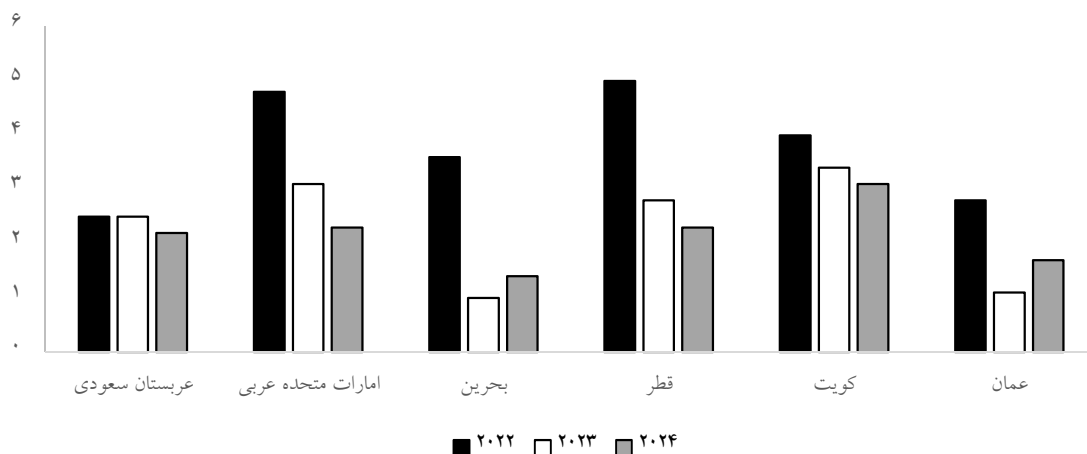
۱-۲- شاخص قیمت مصرف‌کننده

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت توانسته‌اند به سرعت حجم تولید و صادرات را افزایش دهند و در عین حال، نرخ تورم را کمتر از میانگین جهانی نگه دارند. تورم در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به طور عمده‌ای کمتر از هم‌تایان خود در غرب آسیا و سراسر جهان است.

در دو دهه اخیر شاخص باز بودن تجاری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، همواره از میانگین جهانی و اقتصادهای نوظهور بالاتر بوده است.

رشد اقتصادی عربستان در سال ۲۰۲۳ در مقایسه با دیگر کشورها حاشیه خلیج فارس پایین و معادل ۰/۸ درصد بود، اما بر اساس تخمین صندوق بین‌المللی پول، در میان شش کشور حوزه خلیج فارس رشد غیرنفتی عربستان و امارات متحده عربی در سال ۲۰۲۳ بالاترین مقدار بود؛ به گونه‌ای که این رشد برای عربستان در نیمه نخست سال ۲۰۲۳ به طور متوسط حدود ۴/۵ و برای امارات متحده عربی ۵/۹ درصد بود. در عربستان سعودی، سرمایه‌گذاری خصوصی غیرنفتی در قالب پروژه‌های بزرگ در بخش‌های عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، ساخت‌وساز و حمل‌ونقل همچنان محرک اصلی رشد بوده است. بر اساس اعلام بانک جهانی، شتاب رشد اقتصادی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در دو سال آینده با ادامه تلاش‌های کشورها برای ایجاد تنوع‌بخشی در اقتصاد، سرعت بیشتری می‌گیرد. بانک جهانی پیش‌بینی کرده است که در سال‌های ۲۰۲۴ و

نمودار ۲- پیش‌بینی و تخمین نرخ تورم کشورهای حاشیه خلیج فارس



مأخذ: IMF, 2023

فارس هم پیش‌بینی کرده است که تورم بعد از یک افزایش به سطوح پیش از بحران کرونا بازگردد و انتظار می‌رود که در سال ۲۰۲۴، به میانگین ۲/۳ درصد در مقایسه با ۲/۶ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد.

۱-۳- جذب سرمایه‌گذاری خارجی

در حال حاضر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش حیاتی در توسعه اقتصادی در کشورهای حاشیه خلیج فارس ایفا می‌کند. کشورهای این منطقه به شدت سرمایه‌گذاری‌های زیادی را نه تنها از کشورهای عربی منطقه، بلکه از دیگر کشورهای جهان جذب کرده‌اند. بر اساس آمار رسمی موجود، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در سال ۲۰۲۲، مبلغی به ارزش ۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرده‌اند که نشان‌دهنده افزایش ۵۸ درصدی در مقایسه با سال ۲۰۲۱ است.

در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس، در سال‌های اخیر امارات متحده عربی بهترین عملکرد را در جذب سرمایه خارجی در حوزه زیرساخت‌ها داشته است.

بر اساس گزارش چشم‌انداز بانک جهانی (ژانویه ۲۰۲۴)، تا اواخر سال ۲۰۲۳ تورم در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به خوبی کنترل شده است. تورم در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۲، به طور متوسط حدود ۳/۳ درصد بود که نسبت به ۲/۲ درصد در سال ۲۰۲۱، افزایش شایان توجهی داشته است. در سال ۲۰۲۲، قطر، امارات متحده عربی و بحرین بالاترین نرخ تورم را داشتند و در سال ۲۰۲۳، کویت، امارات متحده عربی و قطر بالاترین نرخ را کسب کردند. کمترین میزان نرخ تورم در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ به ترتیب برای عربستان و عمان ثبت شد.

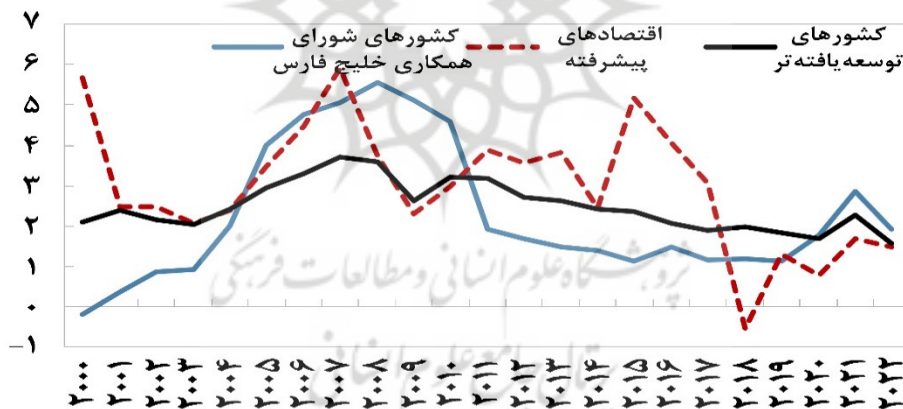
بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول نیز تورم در بیشتر کشورهای حاشیه خلیج فارس در حال کاهش است که نشان‌دهنده آثار سیاست پولی شدیدتر است. این نهاد بین‌المللی که پیش‌بینی کاهش عمده تورم جهانی را از ۶/۹ درصد در سال ۲۰۲۳، به ۵/۸ درصد در سال ۲۰۲۴ کرده، برای کشورهای حاشیه خلیج

خلیج فارس در مقایسه با دو گروه دیگر پایین تر بود، از سال ۲۰۱۸ به بعد شاهد روند صعودی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورها هستیم. افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۲ به افزایش بیشتر رشد غیرنفتی و تنوع بخشیدن به اقتصاد کمک می‌کند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز از زمان بحران کرونا، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری نسبت به اقتصادهای نوظهور و پیشرفته جذب کرده‌اند (نمودار شماره ۳).

نمایشگاه جهانی اکسپوی ۲۰۲۰ امارات متحده عربی، سرمایه‌های زیادی را برای ایجاد زیرساخت‌های پیشرفته جذب کرد. این رویداد بیش از ۳۳ میلیارد دلار فعالیت اقتصادی ایجاد کرده است. نگاه به روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس^۱ در مقایسه با کشورهای پیشرفته و اقتصادهای در حال ظهور، حاکی است که در دوره ۲۰۰۰-۲۰۲۲، در حالی که بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۰ جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای حاشیه

نمودار ۳- مقایسه روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و اقتصادهای نوظهور و پیشرفته

جذب سرمایه‌گذاری خارجی ۲۰۰۰-۲۰۲۲ (درصدی از تولید ناخالص ملی)



مأخذ: IMF, 2023

سال‌های اخیر کشورهای حوزه خلیج فارس در جذب سرمایه خارجی عملکرد خوبی داشته‌اند. در سال ۲۰۲۲، عربستان سعودی ۱۹/۸ میلیارد دلار، عمان ۳/۶ میلیارد دلار و بحرین ۱/۷ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرده‌اند.

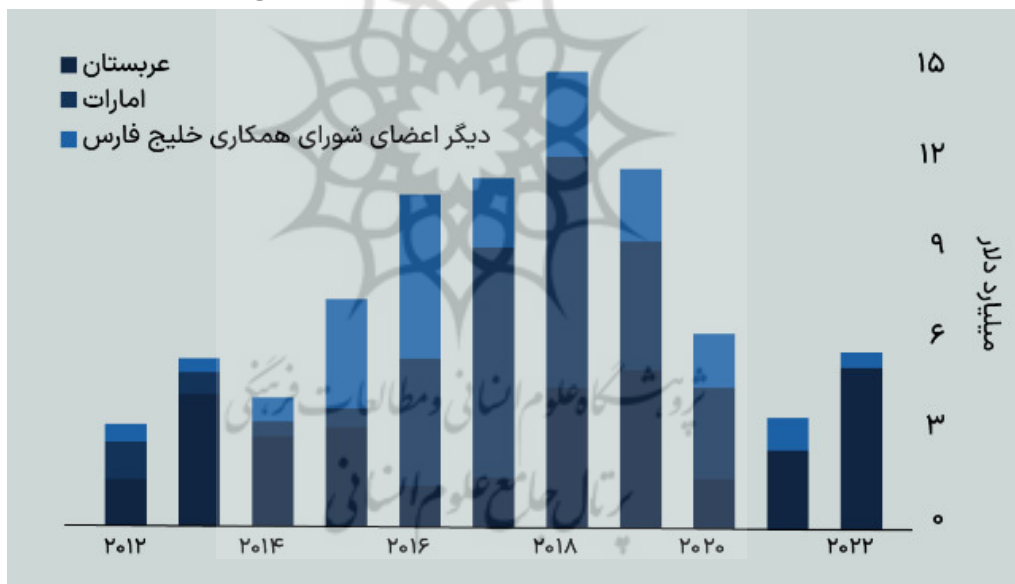
اگرچه امارات متحده عربی همچنان بزرگ‌ترین مقصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منطقه غرب آسیاست و در سال ۲۰۲۲، سرمایه ۲۶ میلیارد دلاری (بیش از ۵ درصد تولید ناخالص داخلی) را جذب کرده است، به‌طورکلی، در

1. GCC
 2. FDI

در سال‌های اخیر کشورهای حوزه خلیج فارس نه تنها سرمایه‌های زیادی را در راستای توسعه اقتصادی خود جذب کرده‌اند، بلکه به دنبال ورود سرمایه‌های خود به دیگر کشورها نیز بوده‌اند. در این راستا، برخورداری از منابع گسترده نفتی، روابط پایدار و به دور از تنش با چین و تلاش برای کاهش وابستگی به آمریکا از جمله دلایلی است که کشورهای خلیج فارس را به سرمایه‌گذاری در راه ابریشم نوین چین ترغیب کرده است. در میان این کشورها، عمان بیش از همه در پیوستن به راه ابریشم

نوین کوشیده است. گسترش سرمایه‌گذاری چین در دو بندر صلاله و دو قم از جمله نشانه‌های آن است. چین تاکنون بیش از ۱۰ میلیارد دلار در تأسیسات نفتی، خطوط لوله و پایانه نفتی بندر دو قم سرمایه‌گذاری کرده است (رئیس‌نژاد، ۱۴۰۰). رهبران عمان با آگاهی از جایگاه راهبردی این کشور در کرانه دریاهای عمان و عرب و قابلیت مانور قدرت در ورای تنگه هرمز، به دنبال افزایش نقش این کشور در فرایند تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای هستند.

نمودار ۴- میزان سرمایه‌گذاری چین در کشورهای حاشیه خلیج فارس



مأخذ: مجله اکونومیست، ۲۰۲۳

کشورهای عربی و ۱۷ جهانی در بازار سهام آمریکا رسانده است.

۱-۴- تجارت خارجی

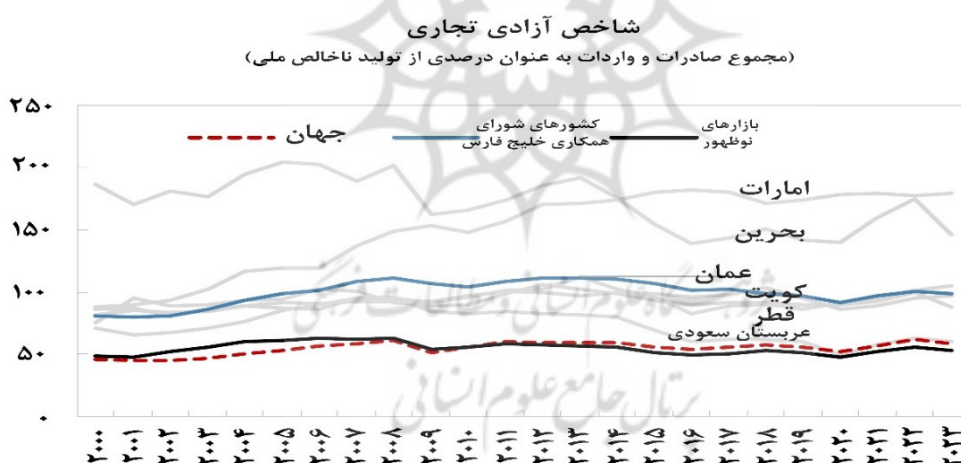
بر اساس گزارش اخیر صندوق بین‌المللی پول (نوامبر ۲۰۲۳)، شاخص‌های تمرکز و باز بودن تجاری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۲

افزون‌بر آنچه گفته شد، کویت، عربستان و امارات متحده عربی در میان کشورهای عربی خلیج فارس در ۱۱ ماه سال ۲۰۲۳، بیشترین سرمایه‌گذاری را در سهام شرکت‌های آمریکایی داشتند. سرمایه‌گذاری ۲۸۹/۳ میلیارد دلاری کویت در این مدت، این کشور را به رتبه نخست در میان

است. راهبرد گردشگری شورای همکاری خلیج فارس نیز در سال ۲۰۲۲ برای ترویج شیوه‌های گردشگری پایدار و بهبود کیفیت خدمات در منطقه به تصویب رسید. توافقات اخیر موجب تقویت هرچه بیشتر روابط کشورهای عربی با شرکای تجاری خود خواهد شد. این توافقات تنها به تسریع تجارت و تأمین امنیت زنجیره تأمین محدود نمی‌شود، بلکه جریان تزریق سرمایه به بخش‌های مهم اقتصادها را نیز تسهیل می‌کند. نمودارهای شماره ۵ و ۶ شاخص باز بودن تجاری و تمرکز تجاری را برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نشان می‌دهد.

با توجه به توافقی‌های تجارت آزاد و ابتکارات منطقه‌ای این کشورها بهبود یافت. توافقی‌های تجارت آزاد در منطقه شورای همکاری خلیج فارس برای تقویت تجارت نفتی و غیرنفتی و تقویت تجارت خدمات و فعالیت‌های گردشگری منعقد شده است. در سال ۲۰۲۰، دبیرخانه شورای همکاری خلیج فارس مذاکراتی را با بریتانیا آغاز کرد و مذاکراتی را با هند و ژاپن برای توافقی‌نامه تجارت آزاد از سر گرفت. از سال ۲۰۲۲، امارات همچنین، چندین موافقت‌نامه مشارکت اقتصادی جامع^۱ با شرکای تجاری کلیدی خود و دو قرارداد برای تسویه تجارت به یوان و روپیه امضا کرده

نمودار ۵- مقایسه شاخص آزادی تجاری در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، اقتصادهای نوظهور و جهان



مأخذ: IMF, 2023

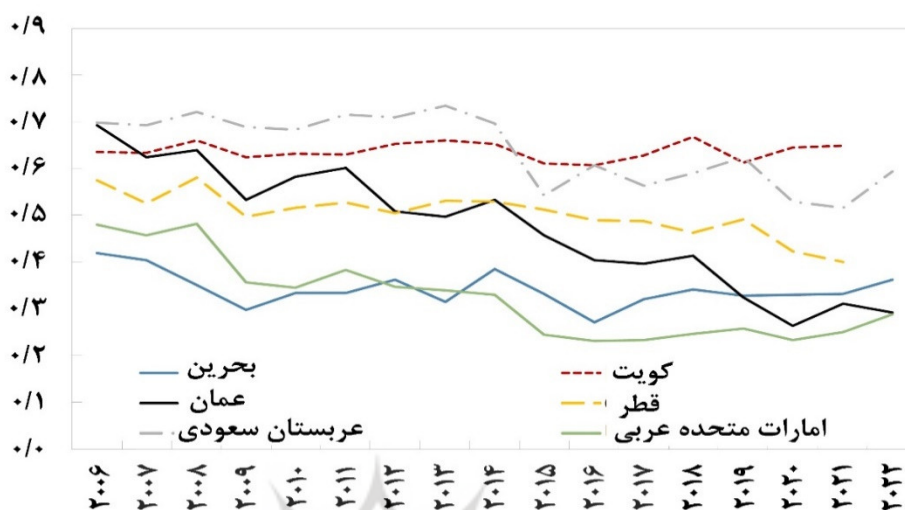
است. بر اساس نمودار شماره ۶ نیز در سال ۲۰۲۲، کشورهای امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی و کویت بهبود شاخص تمرکز تجاری را داشتند.

همان‌طور که در نمودار شماره ۵ مشاهده می‌شود، در دو دهه اخیر شاخص باز بودن تجاری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، همواره از میانگین جهانی و اقتصادهای نوظهور بالاتر بوده

1. CEPA

نمودار ۶- مقایسه کشورهای حاشیه خلیج فارس در شاخص تمرکز تجاری

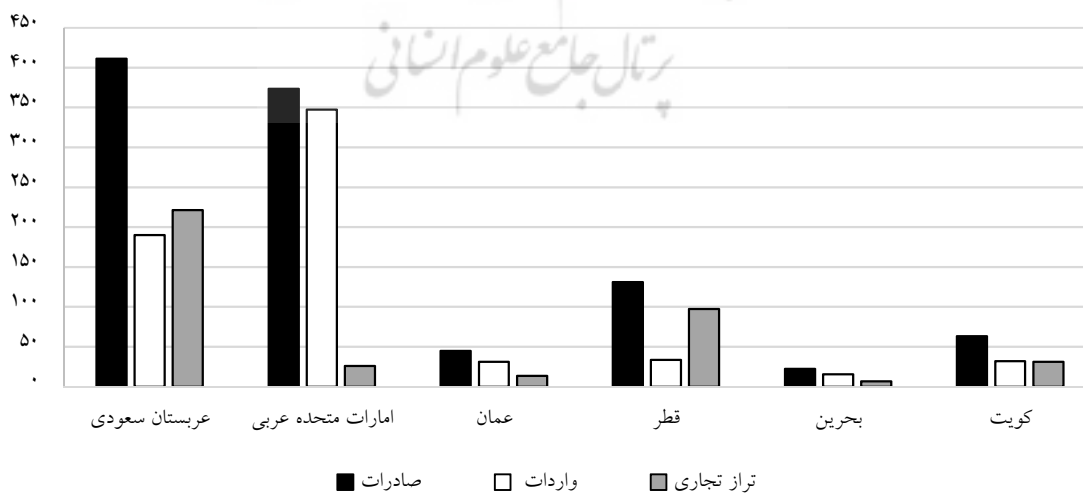
شاخص تمرکز تجاری، ۲۰۰۰-۲۰۲۲



مأخذ: IMF, 2023

در ادامه، برای ارائه تصویر بهتر از عملکرد تجارت خارجی کشورهای حاشیه خلیج فارس، ارزش صادرات و واردات این کشورها با جهان در نمودار شماره ۷ برای سال ۲۰۲۲ نشان داده شده است. تجارت کشورهای کویت، بحرین، قطر و عمان با توجه اندازه اقتصاد آن‌ها کمتر از نصف تجارت امارات متحده عربی و عربستان سعودی بوده است.

نمودار ۷- صادرات، واردات و تراز تجاری کشورهای حاشیه خلیج فارس در سال ۲۰۲۲ (میلیارد دلار)



مأخذ: 2023.ITC TRADE

صادرات نفتی از کل صادرات کمتر از ۲۰ درصد، اما برای دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس این سهم به طور متوسط ۵۰ درصد بوده است. برای مثال، در ۳ ماه نخست سال ۲۰۲۳، صادرات نفت کویت و مشتقات اساسی آن ۹۳ درصد از کل صادرات این کشور را تشکیل داد.

نفت و گاز همچنان مهم ترین کالای صادراتی کشورهای عربی خلیج فارس است. امارات با ۳۵۳ میلیارد دلار صادرات در سال ۲۰۲۲، بیشترین صادرات را در میان کشورهای منطقه غرب آسیا به خود اختصاص داد که ۵۸ میلیارد دلار آن مربوط به نفت خام بود. برای امارات متحده عربی، سهم

جدول ۱- شرکای عمده و سبد تجاری صادراتی و وارداتی کشورهای حاشیه خلیج فارس

کشور	سهم شرکای صادراتی (درصد)	سهم شرکای وارداتی (درصد)	اقلام عمده صادراتی	اقلام عمده وارداتی
یونسفند سعودی	چین ۱۶/۴، هند ۱۰/۱، ژاپن ۹/۹، کره جنوبی ۹/۲ و آمریکا ۵/۶	چین ۲۰/۹، ایالات متحده آمریکا ۹/۱، امارت متحده عربی ۶/۳، هند ۵/۵ و آلمان ۴/۲	پلیمرهای اتیلن، پلیمرهای پروپیلن، اترها، الکل ها، کودهای معدنی یا شیمیایی و الکل های حلقوی مشتقات هالوژنه	خودروهای سواری و دیگر وسایل نقلیه موتوری، روغن های نفتی و روغن های حاصل از مواد معدنی قیری، دستگاه های تلفن، طلای آبکاری شده با پلاتین و داروها
اقرارت ففخلده عربی	عربستان سعودی ۲۶/۳، هند ۷/۹، عراق ۷/۱، آمریکا ۳/۰ و عمان ۳/۰	چین ۱۷/۹، هند ۷/۳، آمریکا ۵/۷، ژاپن ۳/۲ و ترکیه ۲/۵	نفت خام و روغن حاصل از مواد معدنی قیری، روغن های نفتی و روغن های حاصل از مواد معدنی، طلای آبکاری شده با پلاتین، دستگاه های تلفن و الماس	طلای آبکاری شده با پلاتین، نفت خام و روغن های حاصل از مواد معدنی قیری، دستگاه های تلفن، الماس، خودروهای سواری و دیگر وسایل نقلیه موتوری
ففرقا	چین ۱۵/۸، هند ۱۱/۵، کره جنوبی ۱۰/۹، ژاپن ۷/۶ و بریتانیا ۶/۵	چین ۱۶/۲، آمریکا ۱۴/۶، هند ۶/۱، ایتالیا ۵/۶ و آلمان ۴/۹	گازهای نفتی و دیگر هیدروکربن های گازی شکل، نفت خام، روغن های نفتی و روغن های حاصل از مواد معدنی قیری، کودهای معدنی و شیمیایی و پلیمرهای اتیلن	توربوچت ها، توربوپراپلرها، خودروهای سواری و دیگر وسایل نقلیه موتوری، دستگاه های تلفن، زیورآلات یا جواهرآلات و طلای آبکاری شده با پلاتین
عربستان سعودی	عربستان ۱۳/۶، آمریکا ۸/۶، امارات متحده عربی ۷/۳، هلند ۳/۴ و عمان ۲/۸	چین ۱۴/۴، برزیل ۱۰/۶، استرالیا ۸/۷، امارات متحده عربی ۸/۲ و آمریکا ۶/۴	آلومینیوم کارنشده، سنگ آهن و کنسانتره های آن، مفتول از آلومینیوم، صفحه، ورق و نوار آلومینیوم، کودهای معدنی و شیمیایی	سنگ آهن و کنسانتره های آن، کربنوم مصنوعی، خودروهای سواری و دیگر وسایل نقلیه موتوری، اجزا و قطعات موتورهای دیزل و نیمه دیزل و طلای آبکاری شده با پلاتین
ففرقا	امارات متحده عربی ۵۸/۵، عربستان سعودی ۸/۶، آمریکا ۳/۸، هند ۲/۹ و چین ۲/۲	امارات متحده عربی ۳۵/۵، چین ۶/۹، هند ۶/۵، قطر ۶/۴ و برزیل ۴/۸	نفت خام و روغن های حاصل از مواد معدنی قیری، گازهای نفتی و دیگر هیدروکربن های گازی شکل، روغن های نفتی و روغن های حاصل از مواد معدنی، کودهای معدنی و شیمیایی و محصولات نیمه تمام از آهن یا از فولادهای غیرممزوج	روغن های نفتی و روغن های حاصل از مواد معدنی، طلای آبکاری شده با پلاتین، خودروهای سواری و دیگر وسایل نقلیه موتوری، سنگ آهن و کنسانتره های آن و دستگاه های تلفن
ففرقا	امارات متحده عربی ۱۱/۲، عربستان سعودی ۱/۱، هند ۰/۸، چین ۵/۵ و عراق ۰/۴	چین ۱۷/۹، امارات متحده عربی ۱۱/۸، آمریکا ۷/۹، ژاپن ۵/۷ و عربستان ۵/۳	نفت خام و روغن های حاصل از مواد معدنی قیری، روغن های نفتی و روغن های حاصل از مواد معدنی، گازهای نفتی و دیگر هیدروکربن های گازی شکل، هیدروکربن های حلقوی، الکل غیرحلقوی و مشتقات هالوژنه	خودروهای سواری و دیگر وسایل نقلیه موتوری، گازهای نفتی و دیگر هیدروکربن های گازی شکل، دستگاه های تلفن، طلای آبکاری شده با پلاتین و زیورآلات یا جواهرآلات

مأخذ: ITC TRADE 2023

صعود ۷۷۰ درصدی این متغیر است. تجارت چین با کشورهای عربی در سال ۲۰۰۴، ۳۶ میلیارد دلار بود که در سال ۲۰۲۲، به ۳۱۵ میلیارد دلار رسید؛ ضمن اینکه در این سالها چین با سرمایه‌گذاری ۲۱۴ میلیارد دلاری به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در این کشورها تبدیل شده است.

۲- نگاهی به مناسبات تجاری ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس

نگاهی به روابط تجاری ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس نشان می‌دهد که مناسبات اقتصادی ایران با امارات متحده عربی از سال ۲۰۱۹ به بعد بهبود یافته است. امارات دومین شریک تجاری ایران پس از چین است. همچنین، امارات دومین کشور از لحاظ واردات از ایران پس از عراق است. در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، بیشترین تبادل تجاری با ایران را امارات دارد. بر اساس آمار گمرک ایران، ارزش تجارت ایران با امارات در ۹ ماه نخست سال ۱۴۰۲، ۲۰ میلیارد دلار بود که در مقایسه با مدت مشابه سال پیش نزدیک به ۸ درصد رشد داشت؛ البته به‌رغم افزایش ارزش تجارت میان ایران و امارات متحده عربی، همچنان تراز تجاری دو کشور به نفع امارات بوده و ایران در مدت یادشده کسری تراز تجاری ۱۰ میلیارد دلاری با این کشور داشته که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، یک میلیارد دلار افزایش یافته است.

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، چین، آمریکا و هند از عمده شرکای تجاری کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند؛ البته برای دو کشور عمان و کویت، امارات متحده عربی نیز از شرکای اصلی تجاری شمرده می‌شود.

برخلاف روند گذشته به نظر می‌رسد که کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه عربستان تنوع بخشیدن به روابط تجاری خود را برگزیده‌اند. در سال‌های اخیر روابط چین و عربستان در حوزه اقتصادی از جمله سهم بالقوه چین در آرامکو (شرکت بزرگ نفتی دولتی عربستان) نیز عمیق‌تر شده است. در مقابل، سیاست خارجی جدید چین نیز نفوذ در منطقه حساس غرب آسیا با تمرکز بر کشورهای حوزه خلیج فارس از طریق ابزارهای مختلف از جمله تجارت، فناوری و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف مانند توسعه پروژه کمربند-جاده بوده است. در گذشته، روابط میان چین و کشورهای حوزه خلیج فارس بر حوزه تجارت انرژی متمرکز بود، اما در حال حاضر در مقابل خرید نفت توسط چین، کشورهای عربی نیز سرمایه‌گذاری‌های گسترده در چین انجام داده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که هم چین و هم کشورهای حوزه خلیج فارس در روابط خود با یکدیگر وارد فاز جدیدی شده‌اند. بر اساس آمار اداره آمار عربستان سعودی، در ژانویه ۲۰۲۳، چین مهم‌ترین مقصد صادراتی و وارداتی عربستان بود. بررسی روند تجارت چین با کشورهای حوزه خلیج فارس در سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۰۴ حاکی از

نمودار ۸- مقایسه ارزش تجارت ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس (۱۴۰۱-۱۴۰۲)



مأخذ: گمرک ایران. ۱۴۰۲ و ۱۴۰۱

* آمار مربوط به نه ماه نخست سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ است.

در نتیجه، بسیاری از ظرفیت‌ها و فرصت‌ها به راحتی از بین برود.

همان‌طور که در نمودار شماره ۸ مشاهده می‌شود، ارزش تجارت ایران با عربستان در ۹ ماه نخست سال ۱۴۰۲، به ۱ میلیون دلار نیز نرسید و معادل ۲۳۵ هزار دلار بود که البته این مقدار مربوط به واردات ایران از عربستان بوده و صادرات عربستان به ایران صفر بود. برخلاف برخی تحلیل‌ها که توافق ایران و عربستان و برقراری روابط دیپلماتیک میان دو کشور را در ماه‌های نخست سال ۱۴۰۲ بر روابط تجاری دو کشور مؤثر می‌دانستند، با گذشت نزدیک به ۱۰ ماه از این توافق، آمارهای تجاری حاکی است که نه تنها ارزش تجارت ایران و عربستان افزایش نیافته، بلکه در ۹ ماه نخست سال ۱۴۰۲ در مقایسه با مدت مشابه سال پیش، ۹۸ درصد کاهش داشته است.

در مجموع، با توجه به آنچه گفته شد، به‌رغم تراز تجاری مثبت ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس

به‌استثنای امارات متحده عربی، مجموع حجم تجارت ایران با دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس بسیار اندک و در ۹ ماه نخست سال ۱۴۰۲، این رقم معادل ۲ میلیارد دلار بود که از این مقدار، ۸۴ درصد آن مربوط به تجارت با کشور عمان بود؛ البته مجموع ارزش تجارت ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌استثنای امارات متحده عربی در نه ماه نخست سال ۱۴۰۲، در مقایسه با مدت مشابه سال پیش ۱۰ درصد افزایش داشت. این افزایش عمدتاً مربوط به افزایش تجارت با عمان بود؛ البته در خصوص مناسبات اقتصادی ایران با عمان ناگفته نماند که به‌رغم روابط پایدار سیاسی میان دو کشور، روابط تجاری ایران و عمان مطلوب نیست. در واقع، نبود نگاه راهبردی و بلندمدت در دیپلماسی اقتصادی با کشورهای همسایه از جمله عمان سبب شده است تا هریک از مسئولان وقت تنها در بازه‌ای که مسئولیت دارند، نگاه کوتاه‌مدت داشته باشند و

می‌توان به تنش اخیر میان یمن (نیروهای حوثی) و ایالات متحده آمریکا در دریای سرخ به دنبال جنگ غزه اشاره کرد. در واقع، شاید عربستان در گذشته نه‌چندان دور از قدرت‌نمایی غرب در برابر حوثی‌ها استقبال می‌کرد، اما امروز راه احتیاط را در پیش گرفته است؛ زیرا این نگرانی را دارد که نقشه راه این کشور را برای پایان دادن به جنگ یمن و نیز تبدیل شدن عربستان به مرکز تجاری جهانی را تا سال ۲۰۳۰ از بین ببرد. در حال حاضر ۳۶ درصد از واردات عربستان سعودی از طریق بنادرش در دریای سرخ انجام می‌شود و این کشور به همراه متحد خود یعنی امارات متحده عربی اعلام کرده‌اند که هیچ علاقه‌ای به حضور در ائتلاف دریایی به رهبری آمریکا علیه نیروهای حوثی ندارند. عربستان تلاش دارد تا با حل اختلافات منطقه‌ای این فرصت را ایجاد کند تا بر برنامه‌های توسعه اقتصادی خود تمرکز بیشتری داشته باشد.

به نظر می‌رسد رویکرد عربستان در سیاست خارجی از نگاه ایدئولوژیک به سمت نگاه ژئوپلیتیکی حرکت کرده است و بین ابرقدرت‌ها به گونه‌ای متفاوت عمل می‌کند و نه موازنه مثبت دارد و نه منفی دارد و در واقع به صورت میانه بازی می‌کند. در این راستا، نگاه عربستان به منافع ملی خود بر مبنای باج‌گیری و امتیاز‌گیری است و در این روابط عربستان مانند گذشته برای خود دوست و دشمن ثابت یا اتحاد تعریف نمی‌کند و در واقع بر اساس رقابت در عین همکاری و برعکس وارد روابط می‌شود. بنابراین، مبنای عادی‌سازی روابط عربستان با ایران تنش‌زدایی

به‌استثنای امارات متحده عربی، ایران نتوانسته است سهم چندان بالایی از واردات این کشورها را به خود اختصاص دهد و حتی در میان ۲۰ شریک نخست وارداتی این کشورها نیز نیست.

۳- مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی اثرگذار بر روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس
مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد.

- شرایط ژئوپلیتیکی کشورهای حاشیه خلیج فارس: موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و حتی ژئوکالچر منطقه خلیج فارس اهمیت سرشاری به این منطقه بخشیده است. از این رو به دلیل موقعیت حساس منطقه، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهان به‌ویژه آمریکا و چین بوده است. در این راستا، سیاست عربستان اساساً مبتنی بر معامله نفت در برابر امنیت است. در واقع، عربستان نفت را به آمریکا می‌فروشد و از آمریکا امنیت خریداری می‌کند و تقریباً در تمام دوره‌ها این قاعده حاکم بوده است؛ البته عربستان از تعامل با کشورهای دیگر به‌ویژه چین و روسیه نیز خودداری نکرده است. شرایط کنونی حاکم بر رقابت‌های ژئوپلیتیکی و نااطمینانی‌های فزاینده، به‌رغم توافق ایران و عربستان، زنجیره‌ای از رویدادهای تنش‌زا را در روابط دوجانبه میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه روابط میان ایران و عربستان به وجود آورده است. در این بین،

حتی سبب شده است تا موقعیت ایران در بهره‌برداری از میدان نفتی و گازی تضعیف و با چالش جدی در زمینه سرمایه‌گذاری در میدان نفت و گاز به‌ویژه میدان مشترک خود مواجه شود. در این راستا، می‌توان به ادعای مالکیت میدان گازی آرش از سوی کویت اشاره کرد. در واقع، کویت توانسته است با جذب دانش فنی شرکت‌های بین‌المللی در حوزه نفتی از جمله شل ثابت کند که این میدان نفتی در منطقه عربی واقع شده است. در حالی که کویت اعلام کرده که بر اساس مطالعات لرزه‌نگاری شرکت نفتی شل، تمام میدان آرش در منطقه عربی واقع شده، ایران مدعی است که بر اساس مطالعات شرکت نفت فلات قاره ایران و لرزه‌نگاری این شرکت، معادل 40 درصد از میدان آرش سهم دارد و کوتاه نخواهد آمد.

– پیمان‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای: سازمان‌های منطقه‌ای در صورتی که تمام کشورهای یک منطقه را دربرگیرند و کشورها با هم روابط مسالمت‌آمیزی داشته باشند، می‌توانند مبنایی برای تعامل ژئوپلیتیکی باشند. در صورتی که یک سازمان تمام کشورهای منطقه را دربرگیرد، می‌تواند مبنایی برای تشکیل ساختار دوقطبی یا چندقطبی در منطقه باشد. به‌رغم تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در سال 1981، روند تعامل ژئوپلیتیکی در این شورا با چالش‌هایی مانند ساختار نامتوازن اقتصادی کشورها، وابستگی اعضا به صادرات انرژی، تنوع اقتصادی پایین کشورها و مکمل نبودن آن‌ها و... روبه‌روست. با توجه به اینکه این سازمان ایران و عراق را

بوده است؛ یعنی در بسیاری از حوزه‌ها با ایران همکاری خواهد داشت و در بسیاری از دیگر حوزه‌ها، تنش و رقابت را با ایران ادامه خواهد داد. این مسئله در خصوص عادی‌سازی روابط عربستان با رژیم صهیونیستی هم صادق خواهد بود؛ عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی قطعاً در آینده نزدیک (سال آینده یا دو سال آینده) بسته به شرایط موجود در منطقه اتفاق خواهد افتاد. زمانی که این دو کشور وارد عادی‌سازی روابط شوند، تهدیدها در خلیج فارس برای ایران بیشتر خواهد شد و برای ایران مطلوب نخواهد بود، اما این به معنای ایزوله شدن ایران در منطقه نخواهد بود. بنابراین، آنچه از این بحث برای سیاست‌گذار ایرانی می‌تواند مفید باشد، به‌کارگیری الگوی رفتاری رقابت در عین همکاری با بسیاری از کشورهای منطقه است.

– منابع طبیعی مشترک میان کشورها: بر اساس آخرین گزارش نشریه مید¹ با عنوان «نفت و گاز در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا 2024-2023»، کشورهای حاشیه خلیج فارس در برنامه‌ریزی‌های خود، سرمایه‌گذاری 325 میلیارد دلاری را در پروژه‌های آینده در حوزه انرژی شامل نفت، گاز و پتروشیمی در نظر گرفته‌اند. امارات متحده عربی و عربستان به ترتیب با سهم 29 (94 میلیارد دلار) و 26 درصد (84/4 میلیارد دلار)، بیشترین سهم را از این میزان سرمایه‌گذاری داشته‌اند، اما ایران به دلایل متعدد از جمله تحریم‌ها، قادر به جذب سرمایه‌گذاری مناسب در حوزه نفت و گاز نبوده است. این موضوع

۴- مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی در روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس

بر کسی پوشیده نیست که تجارت با ایران در شرایط تحریمی ریسک بالایی برای همه طرف‌های خارجی دارد و واژه از تحریم‌های آمریکا سدی جدی فراروی حرکت شرکت‌های دولتی و خصوصی خارجی در راستای برقراری روابط اقتصادی طبیعی با ایران است. در دنیای مدرن کنونی اقتصاد بین‌المللی شده و منافع اقتصادی در سطح جهان چنان درهم‌تنیده شده است که احیاناً برخلاف خواست سیاسی برخی بازیگران، الزامات و معذوریت‌هایی را پیش روی آن‌ها برای تجارت با کشورهای تحت تحریم از جمله ایران قرار می‌دهد و آن‌ها را مجبور به پایبندی به تحریم‌ها می‌کند. افت شدید تجارت با چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران، پس از خروج آمریکا از برجام بهترین گواه بر این مدعاست (بر اساس آمار تجارت خارجی کشور چین، فشار تحریم‌ها موجب شد که تجارت ایران با چین ۶۱ درصد کاهش یابد و از ۳۶ میلیارد دلار در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، به ۱۴ میلیارد دلار در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ سقوط کند) که با وجود اشتراک منافع سیاسی با تهران در تقابل با واشینگتن، اما به دلیل روابط تجاری تنگاتنگ بیش از ۷۰۰ میلیارد دلاری با آمریکا، خود را ناگزیر به پایبندی به تحریم‌ها می‌داند. این مسئله برای همسایگان جنوبی ایران نیز که همگی از متحدان آمریکا در منطقه هستند، صدق می‌کند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین تنگناها در روابط اقتصادی دو طرف توضیح داده شده است.

دربرنمی‌گیرد، می‌تواند مبنایی برای رقابت‌های ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه باشد. حتی در خصوص توافق ایران و عربستان با میانجیگری چین نیز مشاهده می‌شود که عربستان تغییر راهبردی در مواضع خود به‌ویژه اقتصادی نداده است و بعد از گذشت این مدت از توافق هنوز شاهد تقاضای سرمایه‌گذاری از سوی عربستان در ایران نبوده‌ایم. پس از عادی‌سازی روابط ایران و عربستان در مارس سال ۲۰۲۳، اکنون دو کشور در میانه درگیری منطقه‌ای (جنگ غزه) قرار گرفته‌اند که این ظرفیت را دارد که به دور جدیدی از تنش میان دو کشور منجر شود، اما دولت عربستان سعودی کوشیده است تا با شیوه‌ای دیپلماتیک‌تر و بدون تشدید اوضاع، به این موضوع بپردازد. بر اساس اعلام برخی از منابع رسانه‌ای، عربستان حتی به ایران پیشنهاد همکاری و سرمایه‌گذاری را داده است به‌شرطی که ایران از گسترش درگیری‌های منطقه‌ای جلوگیری کند. از نگاه عربستان، موضع همکاری در قبال ایران منطقی است؛ زیرا برای پیشبرد چشم‌انداز سال ۲۰۳۰ خود و حفظ دستاوردهای اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری نیازمند صلح پایدار و ثبات منطقه‌ای است؛ البته باید توجه داشت که حتی با عادی‌سازی روابط دو کشور عربستان و ایران نباید شراکت بزرگ بلندمدت را میان آن‌ها متصور شد. با توافق و عادی‌سازی روابط ایران و عربستان از تنش‌های میان دو کشور کاسته خواهد شد، اما پس از گذشت نزدیک به ۹ ماه، نشانه‌ای از تغییر اساسی در رویکرد امنیتی دو کشور نسبت به یکدیگر مشاهده نمی‌شود.

مهاجرت ایران در سال 1401، یکی از بازارهای مهم نیروی کار بین‌الملل، کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند. بنا بر آمار این نهاد، تعداد ایرانیانی که در این کشورها اقامت دارند یا در رفت‌وآمد هستند، حدود یک میلیون نفر تخمین زده می‌شود. این موضوع می‌تواند زنگ خطری برای کارفرمایان ایرانی در از دست دادن نیروی کار متخصص باشد که مهاجر نیستند، اما برای کارفرمایان ایرانی نیز کار نمی‌کنند. کشورهای حاشیه خلیج فارس با برنامه‌های جدید در توسعه اقتصادی و به تبع آن، جذب نیروی انسانی متخصص و تعریف برنامه‌های مهاجرتی خاص برای گروه‌های مختلف، ورودی خوبی از نیروی انسانی ماهر و با کیفیت بالای ایران دارند. عربستان در راستای پیشبرد برنامه‌های خود به منظور کاهش وابستگی اقتصاد به نفت، برنامه‌های اقامتی جدید را با جذب متخصصان ماهر و سرمایه‌گذاری آغاز کرده است. طبق این برنامه‌ها، دولت عربستان به افرادی که فرصت اقامت در عربستان سعودی را دارند، اجازه تجارت، داشتن املاک و مستغلات و دریافت مجوز کار برای خود فرد و اعضای خانواده‌اش می‌دهد. از سوی دیگر این اقدام در راستای رقابت اقتصادی عربستان با امارات برای تبدیل شدن به هاب تجاری منطقه قرار دارد. بنابراین، نباید تلاش‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای کشورهای همسایه را در جذب نیروی انسانی منطقه‌ای از نظر دور داشت.

- نبود مراکز تجاری ایران در کشورهای حاشیه خلیج فارس: یکی از چالش‌ها در روابط اقتصادی ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه قطر نبود مراکز

- عدم شناخت بخش خصوصی از بازار و تجار کشورهای حاشیه خلیج فارس: به نظر می‌رسد که یکی از چالش‌های اصلی در مناسبات اقتصادی با کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه عمان و قطر، عدم شناخت بخش خصوصی از بازار و تجار باشد. در این کشورها عمدتاً بازیگران محدود و مشخصی در حوزه تجارت وجود دارند و این‌گونه نیست که سرمایه‌گذاران خصوصی ایرانی بتوانند به راحتی با آنها مشارکت و کسب‌وکار مورد نظر خود را راه‌اندازی کنند. برای مثال، در بسیاری از مناقصات قطر اصولاً اولویت با افراد محلی آن است که این موضوع شرایط را برای حضور سرمایه‌گذاران ایرانی سخت می‌کند. از سوی دیگر، قطر به سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی خارجی اقامت دائم نمی‌دهد و در بیشتر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، اجازه مالکیت بالای 50 درصدی به خارجیان داده نمی‌شود. حتی در صورت خرید ملک در این کشور، افرادی که تابعیت قطر را نداشته باشند، به‌جز در مناطق آزاد، در دیگر مناطق با پرداخت کامل مبلغ هم نمی‌توانند خانه را به نام خود سند بزنند و مجبورند تنها نصف آن را به صورت رسمی به نام خود داشته باشند و نصف بقیه ملک باید به اسم شریکی قطری باشد.

- مهاجرت نیروی کار ایرانی به کشورهای حاشیه خلیج فارس: مهاجرت سرمایه انسانی لزوماً با جابه‌جایی فیزیکی صورت نمی‌گیرد. برخی از نیروی کار هستند که به صورت دورکار برای کشورهای دیگر کار می‌کنند؛ وضعیتی که از آن با عنوان مهاجرت مجازی یاد می‌شود. بر اساس اعلام رصدخانه

کشور عمان رایزن بازرگانی مستقر وجود دارد. نگاهی به عملکرد رایزن‌های بازرگانی کشور حاکی است که نه تنها تعداد رایزن‌های تجاری در ایران در مقایسه با کشورهایی مانند عراق و ترکیه بسیار کم است، بلکه حتی در مواردی که رایزن تجاری نیز اعزام شده است، اما گاه عدم آشنایی و آگاهی رایزن‌های تجاری از بازار و ساختار اقتصادی کشور مورد نظر سبب شده تا تجار ایرانی از توانمندی‌ها و نقش رایزنان بازرگانی در آن کشور بی‌بهره باشند.

- عدم تمایل دولتمردان عرب برای مناسبات اقتصادی با ایران: در روابط میان دولت‌ها نیز در بسیاری مواقع به‌رغم تشریفات و برخوردهای ظاهری خوب سیاست‌مداران کشورهای عربی با هم‌ترازهای ایرانی خود، در عمل به نظر علاقه چندانی برای روابط واقعی با ایران مشاهده نمی‌شود. این امر می‌تواند ناشی از تنش‌های موجود در روابط ایران با دیگر شرکای تجاری این کشورها به‌خصوص برخی کشورهای غربی و عربی باشد. نگاهی به سبقه روابط و مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای عرب به‌ویژه قطر حاکی است که از سمت ایران چالش‌ها و محدودیت‌هایی وجود داشته است، اما با اینکه دولتمردان این کشورها در برخورد با هم‌ترازان ایرانی خود همواره ابراز علاقه می‌کنند، در عمل، دولت این کشورها هیچ‌گاه تمایل زیادی برای حضور ایران در بازار آن‌ها از خود نشان نداده‌اند؛ چنان‌که پس از اعمال تحریم‌های دولت ترامپ نیز ورود بسیاری از کالاها را ممنوع کردند و راهی برای ورود ایران به بازار کشورشان باز نکردند؛ البته در کنار عدم تمایل

تجاری ایرانی برای ارائه خدمات به تجار و بازرگانان ایرانی است. یکی از نکات در مناسبات با قطر این است که قطر می‌تواند هاب تجاری باشد؛ زیرا برای مثال، در کشورهایمانند عمان و امارات برای تجارت به‌صورت قانونی، قوانین سخت و شرایط خاصی وجود دارد، اما این موضوع در قطر صادق نیست و تجار ایرانی زیادی در این کشور فعالیت می‌کنند. اگر پایگاه‌هایی در قطر ایجاد شود و همه شرکت‌های ایرانی به آن پایگاه‌ها وصل شوند، می‌توان انتظار شکل‌گیری کسب‌وکارهای ایرانی در بازار قطر را داشت. یکی از ملاحظات مهم در قطر، حمایت از فعالیت اقتصادی ایران در قطر است. در حال حاضر برای تجار و شرکت‌های ایرانی هیچ تسهیلیتی به‌منظور تجارت در این کشور وجود ندارد. در صورتی‌که بدیهی است که گسترش مناسبات تجاری با حمایت دولت‌ها از درگاه بخش خصوصی محقق خواهد شد.

- محدودیت‌ها در انتقالات مالی: از دیگر چالش‌ها در مناسبات اقتصادی با برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله قطر بحث نقل و انتقال مالی است. برای مثال، در کشوری مانند امارات یا ترکیه در عرض یک ساعت امکان انتقال پول (البته نه در حجم کلان) وجود دارد، اما در قطر این کار بسیار سخت است و از طریق صرافی به‌راحتی امکان انتقال پول وجود ندارد. ایرانی‌ها در قطر به‌منظور انتقال مبالغ بالای ده هزار ریال قطر باید مدارک لازم را در خصوص مبدأ و مقصد انتقال کالا و... داشته باشند.

- عدم استقرار رایزن بازرگانی در برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس: بر اساس اطلاعات در دسترس در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس تنها برای

تا ۲۵ سال در صورت رعایت ضوابط مربوط به نیروی کار و عدم نیاز به سرمایه اولیه در زمان ثبت از جمله مزیت‌های ثبت شرکت در این کشور است. ثبت شرکت در عمان این فرصت را برای ایران فراهم می‌کند تا محدودیت‌های تحریمی کاهش یابد و ذیل این شرکت‌ها فرصت مبادلات تجاری نیز فراهم خواهد شد. ترکیه در حال حاضر توانسته است نفوذ خوبی در بازار قطر داشته باشد؛ به گونه‌ای که تمام شرکت‌های ترک در کار کردن با قطر در اولویت هستند. این در حالی است که نقش ایران هم در جریان میان قطر و عربستان کمتر از ترکیه نبوده است و ایران نیز راه تنفس قطر را باز گذاشت و اجازه نداد عربستان بر این کشور فشار بیاورد.

- فرصت موقعیت صادرات مجدد از طریق عمان:
عمان از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس است که در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های زیادی روی بخش لجستیک خود انجام داده است؛ بندر کانتینری صلاله در جنوب عمان با سرمایه‌گذاری چین راه‌اندازی شده است. ایستگاه راه‌آهن صلاله دروازه دسترسی شبه‌جزیره عربستان به اقیانوس هند است. همچنین، دو بندر عمانی دیگر نیز در سال‌های اخیر متحول شده است. بندر صنعتی دوqm که چین تاکنون بیش از ۱۰/۷ میلیارد دلار در تأسیسات نفتی، خطوط لوله و ترمینال نفتی این بندر سرمایه‌گذاری کرده است. بندر صحار عمان نیز با مشارکت بندر روتردام و حمایت شرکت هندی آدانی^۱ در یک دهه، ۲۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جذب کرده است. بندر

دولتمردان عرب باید اشاره کرد که یکی از چالش‌های موجود در روابط ایران با کشورهای عربی مربوط به فقدان سیاست خارجی فعال از سوی دولتمردان ایران است. برای مثال، سفارت ایران در قطر تلاشی در راستای راهنمایی به بخش خصوصی نمی‌کند و بخش اقتصادی سفارتخانه کاملاً غیرفعال است.

۵- فرصت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی در روابط ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس

همان‌طور که اشاره شد، هریک از کشورهای حاشیه خلیج فارس راهبرد توسعه‌ای خود را تغییر داده و در راستای دستیابی به ترسیم چشم‌اندازهایی برای خود، برنامه‌هایی برای شکل‌دهی به اقتصاد جدید را در دستور کار خود قرار داده‌اند. در این راستا، ایران می‌تواند با توجه به ظرفیت‌هایی که دارد، منافع خود را با چشم‌اندازهای این کشورها گره بزند. این موضوع در گام نخست نیازمند شناسایی فرصت‌ها و ظرفیت‌ها در بازار کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

- امکان کاهش محدودیت‌های تحریمی به واسطه سرمایه‌گذاری و ثبت شرکت: یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس که اخیراً شرایط مطلوبی را برای ثبت شرکت‌ها ایجاد کرده، عمان است. بر اساس قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی عمان، از ابتدای ژانویه سال ۲۰۲۰، ثبت شرکت در سرزمین اصلی و همه مناطق آزاد عمان با صد درصد سهام‌داری خارجی بدون نیاز به کمترین سرمایه ثبتی امکان‌پذیر شده است. همچنین، معافیت مالیاتی

براین اساس، می‌توان با ایجاد بازارهای مشترک بین‌مرزی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک، نظام‌دهی به این تجارت و تسهیل قوانین تبادلات میان دو سرزمین، تعاملات بین دو کشور را توسعه داد و اقتصاد دو کشور را بیش‌ازپیش به هم پیوند زد.

- توسعه تعاملات گردشگری: ایران سرزمینی با سابقه تاریخی و فرهنگی دیرینه، تنوع بالای جغرافیایی و اقلیمی و جاذبه‌های گردشگری کم‌مانند است؛ به‌ویژه سواحل خلیج فارس با جاذبه‌های منحصربه‌فرد، آن را در محورهای گردشگری قرار داده است و توان بالایی برای جذب گردشگرهای جهان به‌ویژه گردشگران کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد. در همین راستا، شهرهای ساحلی خلیج فارس از جمله کیش و قشم به لحاظ عدم سیاست‌های مؤثر در این بخش نتوانسته‌اند از ظرفیت‌های خود در زمینه گردشگری بهره‌برند و به سهم خود در بازار گردشگری ایران دست یابند. بر اساس سند چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ قرار است ورود گردشگر به کشور به ۲۰ میلیون نفر برسد، اما این رقم هنوز به ۱۰ میلیون نفر نرسیده و بر اساس آمار آخرین گزارش سازمان جهانی گردشگری^۱ از گردشگری ایران در سال ۲۰۲۳، این رقم به حدود ۶ میلیون نفر بوده است. این موضوع زمانی حائز اهمیت خواهد بود که بدانیم همسایگان ایران به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌شدت برای جذب گردشگر و درآمدزایی از این راه برنامه‌ریزی کرده‌اند. در این راستا، ارتقای سطح کیفی و کمی بازاریابی در عرصه

صحار پایانه کریدور عرب-مد است. بنابراین، توافقات سرمایه‌گذاری میان عمان با کشورهای مختلف جریان تجارت را از طریق این کشور افزایش می‌دهد و در نتیجه، نیاز به یک بخش لجستیک پیچیده را در این کشور افزایش می‌دهد. تحت شرایط تحریمی ایران می‌تواند از ظرفیت‌های لجستیکی عمان برای کمک به تسهیل تجارت خارجی استفاده کند. فرصت‌هایی مانند ثبت شرکت‌های ایرانی یا توسعه صادرات ذیل مناطق آزاد عمان می‌تواند در کاهش محدودیت‌های تحریمی ایران اثرگذار باشد.

- جذب سرمایه سرمایه‌گذاران قطر: درآمد سرانه بالای قطر به معنای توان بالای فعالان اقتصادی این کشور به‌منظور سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی است. در این چهارچوب ایران می‌تواند یکی از مقاصد مطلوب و با توان بالای جذب برای سرمایه‌گذاران قطری باشد. با توجه به نزدیکی مواضع سیاسی دو کشور به‌خصوص پس از مسائل چند سال اخیر برخی کشورهای عربی با قطر، به نظر می‌رسد فرصت‌های مناسبی برای رسیدن به توافقاتی دو جانبه بر سر سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه در مورد کالاهایی که در ایران با توجه به مزیت‌های کشور تولید می‌شود و تأمین‌کننده نیاز بازارهای قطر است، وجود دارد. از سوی دیگر، نظر به اینکه ایران و قطر دارای مرزهای آبی مشترک هستند، برخی از ساکنان دو کشور بسیاری از نیازهای خود را از طریق تبادلات مستقیم با یکدیگر برآورده و کسب درآمد می‌کنند.

1. UNWTO

انعطاف‌پذیری و سرمایه‌گذاری در صنایع راهبردی و زیرساخت‌های دیجیتال و سبز بوده است. اجرای سریع این اصلاحات برای افزایش بهره‌وری، تنوع بخشیدن به اقتصادها و آماده شدن برای انتقال انرژی حیاتی در آینده ضروری خواهد بود. حال با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی که در روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس وجود دارد و همچنین در پاسخ به پرسش مطرح‌شده در مقدمه گزارش، در ادامه، چند توصیه سیاستی به‌منظور بهره‌برداری سیاست‌گذاران کشور ارائه شده است.

نقش‌آفرینی به‌موقع در روندهای منطقه‌ای و جهانی: یکی از بحث‌های مهم در سطح سیاست‌گذاری به‌ویژه سیاست خارجی بحث روندها یا ترندهایی است که در سطح بین‌الملل در حال وقوع است یا روندهای مهمی که در عرصه تجارت بین‌الملل رخ می‌دهد. این روندها آینده دنیا را شکل می‌دهد و برای ایران هم می‌تواند فرصت‌های کلیدی را تشکیل دهد. به‌رغم اهمیت بالای درک سه رکن ۱- تغییر، ۲- تنوع و ۳- اتصال یا کانکتیویتی در سیاست‌گذاری خارجی کشور، این ارکان در ایران مغفول مانده است و سیاست‌گذاران ایران آن‌ها را درک نکرده‌اند یا اهمیت آن‌ها کم‌رنگ است.

مشکل اصلی این است که وضعیت موجود در منطقه به تضعیف رشد اقتصادی و همکاری‌های سازنده منطقه‌ای دامن می‌زند. این موضوع در کنار بی‌ثباتی موجب تشدید فرایند مهاجرت نخبگان و سرمایه‌ها می‌شود و درنهایت، حتی تنش‌ها و جنگ‌ها را مزمن می‌کند. بدون شک ایران نیز در این روند و

بین‌المللی می‌تواند به گردشگران بالقوه، اطلاعاتی درباره یک منطقه خاص ارائه و آن‌ها را نسبت به بازدید از آن ترغیب کند.

صادرات خدمات فنی و مهندسی: بازار برخی کشورها برای دریافت خدمات فنی و مهندسی رو به توسعه است و از این منظر باید ضمن شناسایی مقاصد جدید، ظرفیت تعامل مطلوبی را فراهم کرد. در این راستا، قطر و عمان ظرفیت مناسب را برای آنکه شریک صادرات خدمات فنی و مهندسی ایران باشند، دارند. با توجه به منابع نفتی و گازی عمان و قطر و در طرف مقابل، توانمندی پیمان‌کاران ایرانی، بستر مناسبی برای صادرات خدمات فنی و مهندسی ایران در بخش نفت و گاز به این کشورها وجود دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

نگاهی به اقتصاد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس حاکی است که سیاست‌گذاران این کشورها اصلاحات گسترده‌ای را برای دستیابی به تحولات اجتماعی-اقتصادی آغاز کرده‌اند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برنامه‌های اصلاحی بلندپروازانه‌ای را تنظیم کرده‌اند که در چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی، چشم‌انداز ۲۰۳۱ امارات متحده عربی، چشم‌انداز ۲۰۴۰ عمان و چشم‌انداز ۲۰۳۰ ملی قطر نشان داده شده است. پیاده‌سازی این برنامه‌ها پیشرفت‌های خوبی نیز داشته است. مهم‌ترین دلایل پیشرفت این کشورها در پیاده‌سازی برنامه چشم‌انداز آن‌ها، اصلاحات اجتماعی و تجاری دوستانه، تلاش برای افزایش پایداری مالی و

قطر و عمان می‌تواند با توسعه روابط میان کشورها، منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی زیادی برای طرفین در پی داشته باشد و رابطه‌ای برد-برد ایجاد کند. بر اساس موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، در مناطق توافق‌شده امکان مبادله کالاها و خدمات میان کشورها بدون محدودیت‌های دولتی مانند تعرفه و مالیات فراهم می‌شود. همچنین، نبود تشریفات دست‌وپاگیر ارزی و اداری، تسریع در فرایندهای صادرات و واردات و جذب راحت‌تر سرمایه‌گذاری در چهارچوب این توافق‌ها به توسعه روابط تجاری بین دو کشور کمک شایانی می‌کند. انعقاد پیمان تجارت آزاد گام مهمی در راستای شکل‌گیری اتحاد اقتصادی - سیاسی پایدار میان دو کشور تلقی و موجب ارتقای تدریجی توان رقابتی تولیدکنندگان مستقر در طرف‌های پیمان می‌شود؛ البته افزایش اثربخشی این موافقت‌نامه‌ها نیازمند اقدامات اولیه و تخصصی‌تر است. در این راستا، باید پیش از انعقاد موافقت‌نامه‌ها، انتخاب طیف صحیحی از کالاهای تجاری مورد توجه قرار گیرد. به‌منظور تدوین رژیم تجاری برای کشور باید ظرفیت‌سنجی کالاهای صادراتی برای تجارت با کشورهای مورد نظر در اولویت سیاست‌گذاری تجاری قرار گیرد که تاکنون مورد توجه وزارت صمت به‌عنوان نهاد متولی قرار نگرفته است.

- **برندسازی با استفاده از ارائه گسترده فعالیت‌ها و ابتکارات در رسانه‌های جهانی:** امروزه کشوری که خواهان حضور در بازارهای بین‌المللی است، اگر به لحاظ اعتبار و وجهه جهانی وضعیت مناسبی نداشته باشد، به حاشیه رانده می‌شود. بسیاری از کشورها با

تحولات نقش و جایگاهی خواهد داشت و این تصور که اگر کشورهای همسایه درگیر مشکلات باشند، عوارض آن به دیگر همسایگان سرایت نخواهد کرد، تصویری باطل است. بنابراین، باید نگاهی فراتر از تلاش برای پیشرفت و توسعه کشور به وضعیت و امنیت دیگر کشورهای منطقه داشت.

- **توجه به مختصات جدید کشورهای حاشیه خلیج فارس:** همان‌طور که در متن گزارش اشاره شد، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس دست به اصلاحات گسترده و ترسیم چشم‌انداز برای توسعه اقتصادی خود زده و پیشرفت‌هایی نیز داشته‌اند. در این راستا، به سیاست‌گذاران کشور توصیه می‌شود که در تدوین نقشه راه توسعه روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس نخست، آگاهی کامل نسبت به برنامه‌های چشم‌انداز این کشورها داشته باشند و دوم، منافع خود را به پیشبرد این چشم‌اندازها پیوند زنند.

- **تنظیم قراردادهای بلندمدت:** تنظیم قراردادهای بلندمدت از دیگر راه‌های مناسب به‌منظور حمایت از فعالان اقتصادی، تحکیم جایگاه آن‌ها در بازارهای هدف و ارتقای درجه و کیفیت همکاری شرکت‌هاست. در واقع، قراردادهای بلندمدت می‌تواند به کاهش نااطمینانی‌ها، تداوم حضور فعالان اقتصادی و بازرگانان قطری و پایداری روابط و منافع حاصل میان دو کشور کمک شایانی کند و باعث افزایش تمایل سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای گسترش دامنه فعالیت خود در بازارهای هدف شود.

- **انعقاد توافق‌نامه تجارت آزاد:** انعقاد توافق‌نامه تجارت آزاد میان ایران و کشورهای همسایه از جمله

کشور میزبان با جمهوری اسلامی ایران داشته باشند. تشکیل تیم اقتصادی از جوانان دانشگاهی فارغ از دیدگاه‌های جناحی و سیاسی با محوریت اقتصاد که به صورت مستمر نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در روابط تجاری میان ایران و کشور مقابل را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد؛ به گونه‌ای که شناخت کافی از اوضاع حاصل شود، بسیار حائز اهمیت است.

منابع

- Gulf Cooperation Council , Economic Prospects and Policy Priorities for The GCC Countries, International Monetary Fund, Washington, D.C, December 2023.
- El wassal, Kamal Amin, Uae Economic Diplomacy Report 2023, Anwar Gargash Diplomatic Academy, Abu Dhabi, United Arab Emirates, 2023.
- Mena Oil & Gas 2023-24, Middle East Business Intelligence, August 2023.
- تدوین نقشه راه پیشبرد روابط اقتصادی ایران و عربستان سعودی، مرکز پژوهش‌های اقتصاد ایران، خرداد ۱۴۰۲.
- وبگاه آماری سازمان جهانی گردشگری
<https://data.un.org/>
- وبگاه آماری گمرک ایران
https://irica.ir/web_directory/55334-%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1.html

برنامه‌ریزی و اتخاذ راهبرد کارآمد دست به اقداماتی در چهارچوب برندسازی زده و توانسته‌اند تصویر جهانی خود را تا حدود زیادی بهبود بخشند. این در حالی است که در کشور ما مقوله برندسازی در نظام دیپلماسی اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و عدم شناخته شدن ایران به برندهایی که جنبه‌ها و ابعاد مهم و ویژگی‌های کشور را دربرگرفته باشد از مهم‌ترین نقاط ضعف در خصوص برند ملی کشور شمرده می‌شود. بدون شک ارتقای جایگاه ایران در عرصه‌های اقتصادی در ایجاد ذهنیت مثبت و تقویت برند ملی در عرصه بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کند و نباید از اصلاح سیاست‌های اقتصادی داخلی غفلت کرد، اما در کنار این مسائل حضور مؤثرتر در نمایشگاه‌های معتبر جهانی فرصتی برای برندسازی ظرفیت‌های فرهنگی و اقتصادی کشور خواهد بود. در این راستا، می‌توان به امارات متحده عربی اشاره کرد. این کشور در سال ۲۰۲۲، تصمیم به ادغام وزارت اقتصاد و وزارت گردشگری گرفت با این هدف که در سال ۲۰۲۵ بتواند ۲۵ میلیون گردشگر جذب کند.

- به کارگیری تیم اقتصادی جوان و مجرب: همان‌طور که اشاره شد، یکی از چالش‌های حوزه تجارت خارجی کشور کمبود دیپلمات‌های حرفه‌ای است که در حوزه دیپلماسی اقتصادی از آگاهی، اشراف و توان لازم برخوردار باشند. به نظر بخش زیادی از موفقیت در دیپلماسی اقتصادی منوط به شکل‌گیری بدنه‌ای از دیپلمات‌های حرفه‌ای در وزارت امور خارجه است که بتوانند در محل مأموریت خود نقشی سازنده، مؤثر، فعال و پویا در برقراری و ارتقای روابط تجاری و اقتصادی